

مجله پژوهش های اسلامی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال چهارم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۹

روش های امام صادق علیه السلام در تفسیر قرآن*

دکتر حسین خاکپور
استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
رقیه رضایی
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

امام صادق علیه السلام بنیانگذار مکتب جعفری از سلسله تبار محمدی مهبط وحی قرآنی، روایات تفسیری قابل توجهی را از خود به یادگار گذاشته اند - که در صورت صحیح بودن اسناد - تأثیر شایسته و بایسته ای در فهم مراد خداوند باری تعالی دارد. صادق آل محمد در سخنان گوهر بار خود بسته به ظرفیت شنونده و فضای حاکم، با روش های گوناگونی قرآن را تفسیر و تبیین نموده اند، این امام همام گاه معنای لغوی واژگان را بیان نموده و گاه با بیان مصداق یا جری و تطبیق، پرده از ابهام آن برداشته اند. ایشان آن جا که لازم است، استدلال عقلی را به کار می گیرند و در پاره ای موارد با تمثیلی زیبا مشکل ترین مطالب را با زبانی ساده بیان می کنند.

مقاله حاضر بر آن است تا با نگاهی گذرا به روایات تفسیری امام صادق علیه السلام گوشه ای از این روش ها را به تصویر بکشد.

واژگان کلیدی

امام صادق (ع)، روش های تفسیری، تفسیر، قرآن.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۱۶
نشانی پست الکترونیک نویسنده: Dr.khakupur@yahoo.com

پیش درآمد

سخن از امام صادق (ع)، سخن از قرآن، اسلام ناب محمدی (ص)، تشیع علوی، سخن از مکتب پرربار جعفری و بالاخره سخن از تاریخ سراسر مبارزه و ایثار تشیع و خونبار مصطفوی است که برگ برگ آن خون شهیدان شاهد و شاهدان شهید می باشد. ششمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، سر سلسله تبار آن گونه پاکانی است که بر دوست و دشمن آفتاب گونه می تابیدند منتهی هر کس به قدر استعداد خود بهره می گرفت. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲، ۱۶۴)

امام صادق (ع) پایه گذار دانشگاه بزرگ جعفری در مدینه است و در درک عظمت و شکوه آن کافی است که گفته شود، اصول چهارصد گانه حدیث و معارف اسلامی که منبع و آبشخور کتاب های معتبر بسیاری از جمله: کافی، من لا یحضر الفقیه، تهذیب و استبصار، محصول مستقیم شاگردان با کفایت و فارغ التحصیلان آن دانشگاه می باشد و از جمله خدمات مهم امام (ع) به جهان اسلام، باز نمودن باب اجتهاد است. (مدیر شانه چی، ۱۳۷۷، ۷۳؛ عمادزاده، بی تا، ۱/۱۹۵؛ علیدوست، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱)

حضور قرآن در کنار عترت به استناد حدیث نقلین همیشگی است، قرآن کتاب صامت است و عترت کتاب ناطق و آنچه قرآن را به نطق در می آورد، عترت است.

شیخ فرید الدین عطار نیشابوری در باره امام می گوید: «آن سلطان ملت مصطفوی، آن برهان حجت نبوی، آن عامل صدیق، آن عالم تحقیق، آن میوه دل اولیاء، آن جگر گوشه انبیاء، آن ناقد علی، آن وارث نبی، آن عارف عاشق، جعفر الصادق» (عطار نیشابوری، ۱۳۸۴، ۲۱/۱). عترت به سان قرآن همیشه بوده، هست و خواهد بود. در مورد قرآن به امام (ع) عرض شد: چرا شعر و خطابه به هنگام تکرار خسته کننده و ملال آور می باشند؛ ولی قرآن اینگونه نیست؟ فرمودند: «قرآن حجت و سند نسل آینده و روزگار آینده است، آنگونه که حجت نسل پیشین می باشد، از این رو قرآن همیشه باطراوت و تازه و شاداب می باشد».

(عبدالرزاق صنعانی، بی تا، ۹/۱؛ ابن عطیه ۱۹۹۲. ص ۴؛ عقیقی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴؛
مقدمتان فی علوم القرآن، ۱۳۷۲)

امام صادق (ع) می فرماید: «خدای تعالی تمامی معانی کتاب های نازل شده
را در قرآن جمع کرده است.» (اسفراینی، ۱۳۷۵، ۴۷/۱)
امام صادق (ع) قرآن را، درمان همه دردها، ریسمان محکم الهی، نور، برهان،
هدایت، وسیله نجات بشریت و ... می داند که راه رسیدن به آنها عترت رسول
خدا (ص) است.

روش های امام صادق (ع) در تفسیر قرآن

همان طور که می دانیم حجم عظیمی از روایات تفسیری به پیشوای ششم
جعفر بن محمد (ع) منسوب می باشد که در شرایط متفاوت، با استفاده از گونه
های مختلف تفسیری به شرح و تفسیر آیات کریمه دست می یازید. این روایات
باقی مانده، با توجه به اینکه انتساب آنها به امام (ع) قطعی است، مراد خداوند
متعال خواهد بود.

شهرستانی یکی از مفسرین اهل سنت، طریق امام صادق (ع) در تفسیر را طریق
سلامت و علم ایشان را علم الهی می داند. (شهرستانی، ۱۳۷۶، ۱۹۷/۱)
آن امام هم با توجه به ظرفیت علمی افراد، توانایی و استعداد آنها از شیوه
های مختلفی مثل تشبیه، تمثیل، قرآن به قرآن، تفسیر روایی و در کلام خود
برای تبیین و توضیح آیات استفاده کرده اند، برای نمونه به برخی از آنها اشاره
می شود.

۱- استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن

مقصود از تفسیر قرآن به قرآن این است که هر آیه ای به کمک و استعانت از
آیات دیگر تفسیر شود، زیرا برخی آیات مبین آیات دیگر هستند و به تفصیل
معانی و محتوای دیگر آیات پرداخته اند. این شیوه همزمان با نزول آیات آغاز و

تا کنون ادامه یافته است و مفسران بدان اهتمام داشته اند. (مؤدب، ۱۳۸۰، ۱۷۴-۱۷۳)

یکی از اسلوب های ویژه که امام صادق (ع) برای آشکار نمودن معانی و کشف حقایق و حیانی به کار برده اند، روش قرآن به قرآن می باشد. قرآن که بیانگر همه چیز است، قطعاً مبین خود نیز هست. تمام دانشمندان بر آنند که شریف ترین و بهترین انواع تفسیر استفاده از خود قرآن است، زیرا هیچ کس آگاه تر به مفاهیم کلام الهی از خداوند متعال نیست. (علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۶۸؛ مؤدب، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸)

تفسیر قرآن به قرآن، گونه ها و مصادیق متعددی دارد:

۱- ارجاع متشابهات به محکّمات، ۲- تقييد آیات مطلق به آیات مقيد، ۳- تخصیص آیات عام با آیات خاص، ۴- تبیین آیات مجمل با آیات مبین، ۵- تعیین مصداق برخی آیات با کمک دیگر آیات (مؤدب، همان، ۱۷۹)

امام صادق (ع) در موارد و مواضع متعدّد با استفاده از این روش پرده از معانی آیات برداشته و فهم آنها را بوسیله آیات دیگر آسان کرده اند. در این قسمت به برخی اشاره می کنم.

۱-۱- عبدالله بن فضل الهاشمی از پیشوای ششم درباره آیه: «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِللْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيّاً مُرْشِدًا»^(۱) سؤال کرد. امام (ع) فرمود: خداوند متعال روز قیامت ظالمین را گمراه می کند، چنان که فرموده: «وَيَضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»^(۲) (صدوق، التوحید، بی تا، ۲۴۱/۱؛ بحرانی ۱۴۲۸، ۲۵/۵)

در این روایت امام (ع) از یک آیه که مضمونش با آیه مورد سؤال یکی است؛ پاسخ می دهد و از این روش در تفسیر آیه بهره گرفته، مضمون آیه را شرح داده است.

۱-۲- صیقل از امام صادق (ع) نقل می کند درباره آیه: «أَيُّهَا الْعِيرِ أَنْكُم لَسَارِقُونَ»^(۳) از امام (ع) سؤال کردم: چرا یوسف با این که برادرانش دزدی

نکرده بودند، به آنها دزدی نسبت می دهد، امام (ع) فرمود: آنان چنین کاری نکرده بودند و یوسف هم دروغی نگفته بود. همانند حضرت ابراهیم (ع) که قصد داشت بت پرستان را به این که توان انجام این چنین کاری (شکستن بت ها) را ندارند، واقف سازد. از این رو خطاب به آنان گفت: «بَلْ فَعَلَهُ كَيْبِرُهُمْ هَذَا»^(۴) یوسف هم قصد داشت با این کار برادرش بنیامین را نزد خودش نگهدارد. (طبرسی، الاحتجاج، ۳/۳۴۵)

۱-۳- امام علیه السلام در پاسخ صیقل به آیه ای اشاره می کند که جریان آن شبیه جریان برادران یوسف است؛ به لحاظ اینکه هر دو در مورد اتهام ظاهری از ناحیه پیامبران الهی است؛ اما غرض اولی این بود که برادران یوسف پی به اشتباه خود برند و در آیه دوم نیز ابراهیم خواست، ناتوانی بت ها را برای قومش ثابت کند.

۲- امام صادق (ع) و تفسیر لغوی:

شماری از روایات تفسیری امام (ع) به شکلی است که در تبیین آیات، تنها واژگان یا برخی از واژگان آیه را معنی نموده است. این روش غالباً در مواردی بکار رفته که ظاهر آیه، روشن به نظر آمده و گویی مخاطب نیازی به توضیح بیشتر نداشته، بلکه با بیان معنی و مفهوم واژگان دشوار آن، مفهوم آیه برایش آشکار می شده است. در واقع این گونه روایات حکم ترجمه کلمه را دارند.

۲-۱- از امام صادق (ع) روایت شده که درباره واژه «فتنه» که در آیه شریفه: «وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ يُقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ»^(۵) آمده است که فرموده: «فتنه» به آن نوع امتحان و آزمایشی گفته می شود که میزان سرسپردگی انسان در برابر خداوند از طریق آن آشکار گردد. (رستمی، ۱۳۸۰، ۱۹۰)

۲-۲- درباره معانی مختلف «سُحْت» روایات متعددی نقل شده است. از آن جمله از امام صادق (ع) نقل شده که امیر المؤمنین (ع) فرمود: پولی که در برابر حیوان مرده و سنگ گرفته می شود، پولی که به روسپی می دهند، رشوه ای که

قاضی می گیرد و مزد کاهن، از مصداق های کلمه «سُحْت» می باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۷/۶۵؛ رجبی، ۱۳۸۳، ۲۲۴)

در این حدیث امام معنی واژه را با توجه به مصداق های آن بیان می کنند.

۲-۳- از سماعه بن مهران از امام صادق (ع) نقل شده که از معنای «واصب» در آیه شریفه: «وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِباً أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ»^(۶) پرسیدم؟ فرمود: یعنی «واجب». (عیاشی، بی تا، ۲/۲۶۲)

۲-۴- عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل کرده است که در باره آیه شریفه: «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا...»^(۷) فرمودند: آن [یاد کردن نام خدا بر شترانی که نحر می شوند] زمانی است که شتران برای نحر کردن به صف می شوند، دستهای آنان را از زانو تا سم می بندند و مراد از «وَجَبَتْ جُنُوبُهَا» زمانی است که به روی زمین می افتند. (مجلسی، ۳۰۱/۶۵)

۲-۵- گاهی امام (ع) در بیان معنای واژگان آیات، تفاوت معنایی دو واژه نزدیک به هم را بیان می فرمودند. به عنوان مثال زراره از امام علیه السلام روایت می کند که من از معنای رسول و نبی در آیه «وَكَانَ رَسُولاً نَبِيًّا» سؤال کردم. امام (ع) فرمود: رسول آن کسی است که فرشته وحی را می بیند که برایش رسالت الهی را می آورد و می گوید: پروردگارت چنین و چنان دستور داده است و رسول با داشتن مقام رسالت، نبی هم هست. اما نبی فرشته ای را که بر او نازل می شود، نمی بیند بلکه خبری که قرار است بر او نازل شود به دلش می افتد (الهام می شود) (بحرانی، بی تا، ۱۶/۳)

۳- استفاده از تفسیر ادبی

در برخی از روایات گاه دیده می شود که امام صادق (ع) چگونگی برداشت خود را به قاعده ای از قواعد ادبیات عرب مستند ساخته و نشان داده است که سخن تفسیری اش بر پایه ای خاص استوار است. او به شاگردان خود می آموخت که چگونه با تکیه بر اصول و قواعد کلی مطالب دینی را استخراج کنند.

در روایتی آمده است که شخص در باره همگانی بودن و خوب امر به معروف و نهی از منکر یا اختصاص و خوب آن دو، به برخی افراد از امام صادق (ع) پرسید: آیا این فریضه بر یکایک افراد امت واجب است؟ امام (ع) فرمودند: خیر بر همگان واجب نیست.

پرسش کننده از دلیل آن سؤال کرد و امام (ع) فرمود: این فریضه بر آن دسته از افراد توانمندی واجب است که گفتارشان مورد توجه و اطاعت قرار می گیرد و با این حال معروف و منکر را می شناسند و دلیل این سخن آن است که خداوند متعال فرموده: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^(۸) امام (ع) در ادامه پاسخ خود دلیل گفتارشان را آشکارتر نموده و می فرماید: و نیز خداوند فرماید: «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^(۹) و نمی فرماید بر امت موسی و یا بر کل قومش. (بحرانی، ۳۰۸/۱-۳۰۷)

از بیان دو آیه مذکور و روایت امام (ع) نتیجه می گیریم: گرچه امر به معروف و نهی از منکر یک واجب الهی است و در اسلام به آن بسیار سفارش شده و مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما این مطلب واضح است که بر همه افراد واجب نیست. وقتی عده ای این کار را انجام دهند و در جامعه تأثیر گذار باشند، از دیگران ساقط می شود. گرچه ترک و عدم ترک امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتبی دارد که پرداختن به آن مجال دیگری می طلبد.

۴- استفاده از روش تفسیر روایی:

از تفسیر قرآن در پرتو روایات رسیده از پیامبر و معصومان (علیهم السلام) با عنوان تفسیر روایی یا نقلی و گاه اثری یاد می کنند. (سبحانی، بی تا، ۱۵۳؛ سیفی، ۱۳۶۸، ۱۰۸)

تفسیر روایی به عنوان اولین نوع تفسیر به شمار می آید و پیدایش آن به تاریخ تدوین حدیث پیوند می خورد. آغاز آن را باید در زمان خود پیامبر (ص) و توسط آن حضرت جستجو نمود. بنابراین رسول اکرم (ص) به عنوان اولین مفسر

قرآن و بعد از آن حضرت علی (ع) و دیگر ائمه علیهم السلام به ویژه امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام از ممتازترین مفسران روایی می باشند. (مؤدب، ۱۳۸۰، ۱۸۲) گروهی از اخباریون را اعتقاد بر این است که تفسیر قرآن جز با روایت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام جایز نیست. آنها معتقدند برای تفسیر می باید از روایات معصومین علیهم السلام کمک گرفت و راه و روشهای دیگر تفسیر، نمی تواند صحیح و روشمند باشد. (مؤدب، ۱۳۸۶، ص ۹۳ و ۱۳۸۸، ص ۹۹) گرچه پرداختن به این موضوع از حوصله این مقاله خارج است؛ اما با بررسی نظرات و استدلالهای این گروه مشخص می شود که این دلایل نمی تواند اختصاص تفسیر را برای معصومان ثابت کند و هیچ کدام با مبانی اخباریون و اعتقاد بر انحصار فهم آیات به معصومین سازگار نیست. (همان، ۱۳۸۶، صص ۱۰۶-۹۴) اما باید گفت با تغییر و تحول اندیشه ها این روش هم فراز و فرودهای بسیاری دارد که در صورت صحیح و معتبر بودن روایت همسان تفسیر قرآن به قرآن است. (مؤدب، همان، ۱۸۳؛ علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۸۸)

به هر حال فهم آیات و معارف قرآنی بوسیله روایات پیامبر (ص) و امامان از روش هایی است که امام جعفر صادق (ع) در تفسیر آیات فرا روی قرآن پژوهان و مفسران گذاشته اند که در این قسمت به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم.

۴-۱ سکونی از امام صادق (ع) روایت می کند که فرمود:

مردی به نزد پیامبر (ص) می آید و از درد سینه شکایت می کند. پیامبر (ص) به آن فرد فرمود: شفایت را از قرآن بخواه چرا که خداوند متعال خود می فرماید:

«وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ»^(۱۰) (بحرانی، بی تا، ۱۸۷/۲)

۴-۲-آبان بن تغلب از امام (ع) نقل می کند که: رسول خدا (ص) فرمودند که: هیچ مؤمنی نیست مگر آن که برای قلبش در سینه اش دو گوش است از یک گوش فرشته بر او می خواند و می دمد و از گوش دیگرش وسواس خناس بر او می خواند، خدای تعالی بوسیله فرشته او را تأیید می کند و این همان است که

فرموده: «وَأَيُّدُهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ^(۱۱)» و در روایتی دیگر از «وَأَيُّدُهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» به عنوان ایمان یاد کرده است. (بحرانی، همان، ۳۱۱/۴)

۴-۳-در تفسیر آیه: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ^(۱۲)» امام صادق (ع) فرمود: مردی نزد پیامبر (ص) آمد و در مورد نیکی به والدین سؤال کرد. پیامبر (ص) فرمود: «أَبْرَرُ أُمَّكَ، أَبْرَرُ أَبَاكَ، أَبْرَرُ أَبَاكَ، به نیکی کردن به مادرت قبل از پدرت اقدام کن. (کلینی، ۱۳۸۸، ۱۶۲/۲)

در این دسته از روایات می بینیم که امام صادق علیه السلام با روایتی که بیان فرمودند. مضمون و هدف آیه را آشکارتر ساخته و به فهم آیه به ما کمک کرده اند.

۵- استفاده از تشبیه و تمثیل در تفسیر آیات:

تشبیه از ارزنده ترین و برترین انواع بلاغت است. تشبیه در لغت همان تمثیل است. از این رو واژه های تشبیه و تمثیل و مماثلت دارای مفاد مشترک می باشد و در اصطلاح عبارت است از پدید آوردن مماثلت و مشارکت حداقل میان دوشیء در یکی از اوصاف و ویژگی ها و هدف از آن اظهار مشکل ترین مطالب در قالب روشن ترین عبارات و خارج ساختن آن از ابهام به مرحله روشنائی و وضوح است، خواه هر دو طرف تشبیه محسوس یا عقلی و یا متفاوت باشد. (ابن ناقیاء، ۱۳۷۴، ص ۲۰۵)

امام صادق (ع) در اغلب موارد مسایل دشوار مربوط به آیات اعتقادی و کلامی را با استفاده از تشبیه و تمثیل، روشن و آشکار فرمودند که در اینجا به چند مورد اشاره می کنیم.

۵-۱- در روایتی از امام (ع) سه اصطلاح «اسراف»، «فقر» و «قوام» با تمثیلی ساده و روان تبیین شده و این سه اصطلاح در آیه شریفه «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتَرُوا وَ كَانْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» آمده است. طبق این روایت امام (ع) پس از تلاوت آیه مقداری ریگ از زمین برداشت و آن را در مشت خود جای داده و مشت را کاملاً بست و فرمود: این معنای «اقتار» یعنی سخت گیری است.

پس از آن دوباره از ریگ های زمین مشتی برداشت و سپس مشت خود را کاملاً باز گذاشت به گونه ای که همه ریگ ها به زمین ریخت. آنگاه فرمود: این اسراف است. برای بار سوم، مشتی دیگر به دست گرفته و آن را به گونه ای نگه داشت که نیمی از آن به زمین ریخت و مقداری دیگر در دستش باقی ماند و سپس فرمود: این قوام است. (بحرانی، بی تا، ۱۷۳/۳؛ رستمی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸)

امام (ع) معنای اعتدال و میانه روی را با یک تمثیل ساده بیان نموده و توضیح داده اند که نه اسراف خوب است و نه تنگ نظری، بلکه همانگونه که اسلام دین اعتدال است، در هر چیزی بایستی میانه روی را در نظر گرفت.

۵-۲- در روایت دیگری آمده است که ابن ابی العوجاء از امام صادق (ع) درباره آیه «كُلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَا لَهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ...»^(۱۴) پرسید که سوختن و بریان شدن پوست گناهکاران و تغییر یافتن آن به پوستی دیگر که در آیه آمده است، چگونه صورت می گیرد؟ و چرا پوست جدید که گناهی از آن سر نزده، سوزانده شود، امام (ع) در پاسخ فرمودند: آیا برای پیش آمده است که خشتی را در هم بکوبی و آن را به خاک مبدل سازی و سپس با همان خاک گل سازی و از آن گل خشتی دیگر درست کنی؟ آیا در این صورت آن خشت جدید همان خشت نخست است یا آن که به ظاهر تغییری حاصل شده ولی ماده و اصل هر دو یکی است؟ (طبرسی، الاحتجاج، ۳۵۴/۲، رستمی، همان، ۱۸۷)

از مضمون آیه شریفه و روایت وارده از امام (ع) در می یابیم که فقط در ظاهر امر یعنی تغییر پوست تفاوت دیده می شود؛ ولی ماده اصلی تشکیل دهنده آن دو یکی است و در آیه شریفه بیان داشته است که هنگامی که در اثر عذاب الهی پوست بدن گنهکار می سوزد ما از همان بدن و پوست (یعنی همان ماده) پوست دیگری بر بدنش قرار می دهیم و این واضح است که پوست جدید از همان مواد و بدن است نه از بدن دیگر و بدین وسیله خداوند می خواهد نهایت عذاب افراد گنهکار را بیان کند.

۵-۳- در روایت دیگری از زراه نقل شده که درباره آیه «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ^(۱۵)» از امام صادق (ع) سؤال نمود، امام فرمود: در آن روز زمین تبدیل به نانی پاکیزه می گردد که مردم از آن می خورند تا این که رسیدگی به حساب ها تمام شود. (حویزی، بی تا، ۵۵۷/۲)

همین روایت در برخی از تفاسیر اهل سنت از امام باقر (ع) نقل شده است (قرطبی، ۱۴۰۵، ۳۸۴/۹؛ نحاس، معانی القرآن، ۵۴۵/۳)

ظاهر آیه مذکور اشاره به روز قیامت و حسابرسی است و مضمون آیه نیز همین معنی را در بر دارد و اینکه امام (ع) زمین را به قرص نانی تشبیه کرده است این از باب تشبیه و تمثیل می باشد نه چیز دیگر.

۶- استفاده از عقل در تفسیر

امامان معصوم علیه السلام گاهی در تفسیر آیات قرآن به ویژه آیاتی که مربوط به عقاید و اثبات توحید و یگانگی خداوند است از براهین، اصول و قواعد عقلی استفاده کرده و معنای آیه را روشن و شک و ابهام را از آن می زدودند. (علوی مهر، ۱۳۸۱: ص ۱۳۸)

تفسیر عقلی آن است که مفسر با استفاده از درک و فهم سلیم به تدبیر و تفکر در قرآن و فهم معانی آیات و تفسیر آن پردازد. امام صادق (ع) در تفسیر آیات قرآن از این روش بی بهره نبوده است و گاهی با تکیه نمودن بر اصول عقلی مسلم و استفاده از عقل، قرآن را تفسیر کرده اند که نمونه هایی از این قسم را در اینجا می آوریم.

۶-۱- از هشام بن حکم روایت شده که ابوشاکر دیصانی می گفت: «در قرآن آیه ای است که مرام و مسلک ما را امضا کرده است». گفتم: «کدام آیه است؟» گفت: «آیه «هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ^(۱۶)» است». من نتوانستم جوابش را بدهم. پس به حج رفتم و جریان را به امام صادق (ع) عرض کردم، فرمود: «این گفتار، گفتار زندیقی است خبیث. وقتی برگشتی به او بگو نام تو در کوفه

چيست؟» لابد می گوید: «فلان است». سپس پرس نامت در بصره چيست؟ باز می گوید: «همان نامی که در کوفه دارم». آنگاه به او بگو: «خدای تعالی نیز همین طور است. هم در آسمان «اله» است و هم در زمین و هم در دیباها و هم در بیابان ها». (کلینی، ۱۳۸۸، ۱۲۸/۱)

۶-۲- روایت دیگری هشام بن حکم از امام صادق (ع) نقل می کند که زندیقی از حضرت پرسید: «آیا نه این است که اعمال وزن می شوند؟» امام فرمود: «نه، عمل جسم نیست تا قابل سنجش باشد؛ بلکه صفت کاری است که عامل انجام می دهد. دیگر این که کسی محتاج سنجیدن است که عدد و سنگینی و سبکی چیزی را نداند و بخواهد با کشیدن یا شمردن آن، علم به مقدار آن پیدا کند.» پرسید: «پس میزان چيست؟» فرمود: «میزان به معنای عدل است.» پرسید: «معنای این که خدای تعالی می فرماید: «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينَهُ» چيست؟ فرمود: «معنایش رجحان در عمل است». (کلینی، همان، ۴۱۹/۱)

۶-۳- اعمش از امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت (ع) در تفسیر آیه: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^(۱۸) فرمود: «خداوند انسان سالم را به جای مریض مجازات نمی کند و همچنین اطفال را با گناه پدرانشان عذاب نمی کند و خدای خالق هر چیز است و از انسان بیشتر از وسع و توانش نمی خواهد.» (بحرانی، بی تا، ۵۶۷/۱؛ قمی، ۱۴۱۱، ۲۲۸/۱)

از مضمون آیه و روایت وارده در این زمینه به این نکته پی می بریم که ذره ای ستم از طرف خداوند به کسی نمی شود و هر کس پاسخگوی اعمال و کردار خویش است و اگر از دیدگاه عقلی هم بسنجیم، این مشخص است که خداوند عادل تر از آن است که به کسی ظلم کند و اصلاً اینکه شخصی مرتکب اشتباهی بشود و شخصی دیگر مورد مجازات قرار بگیرد، از لحاظ عقلی هم درست نبوده و کاری زشت و ناشایست است.

۶-۴- هشام بن حکم از امام صادق (ع) پرسید: «دلیل بر یگانگی خداوند چيست؟» آن حضرت برای اثبات یگانگی خداوند، به اتصال تدبیر در تمام اجزای

هستی استدلال کرده اند که لازمه آن، وجود مدبر واحد است؛ چنان که خداوند می فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»^(۱۹). (کلینی، ۱۳۸۸، ۱/۱۲۸)

امام (ع) یگانگی خداوند را با بیان نظمی که بر جهان هستی حاکم است، اثبات نموده و از لحاظ عقلی هم این امر مسلم است که اگر یک مدیر و مدبر بر این جهان حاکم نباشد، مسلماً این همه نظم و ترتیب هم نیست. همانطور که مضمون آیه نشان میدهد که اگر چند خدا بر جهان حاکم بود غیر از بی نظمی، به هم ریختگی و فساد چیز دیگری مشاهده می شد.

۷- تفسیر از راه شرح جریان تاریخی

یکی از راه هایی که قرآن برای هدایت بشر به کار گرفته، بیان جریان های تاریخی و سرگذشت ملل پیشین است. خداوند ره آورد این شیوه را آشنایی مردم با سرنوشت گذشتگان و پند گرفتن از آن می داند. آنجا که می فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَذَكِّرِينَ»^(۲۰). استفاده امامان علیهم السلام از تاریخ فراگیر بوده و از سرگذشت پیشینیان برای توضیح و تبیین آیات قرآن بهره گرفته اند. گاهی در شیوه های تفسیری امامان علیهم السلام برای شرح آیه یا جمله ای از یک آیه به بخشی از داستان های پیامبران اشاره می کردند و زمانی دیگر به زندگی پادشاهان ستمگر در طول تاریخ اشاره می نمودند. شماری از روایات امام صادق (ع) نیز به توضیح و شرح جریان های تاریخی اختصاص یافته است، از جمله:

۷-۱- در جریان داستان یوسف (علیه السلام) وقتی برادران یوسف از مصر بازگشتند، بارهای خود را گشودند و گفتند «یا ابانا ما نبغی هذه بضاعتنا رُدَّتْ إلینا و نمیرُ أهلنا»^(۲۱). این که چگونه مواد غذایی جلب می کردند، امام (ع) به داستان یعقوب استشهد نمود، که حضرت یعقوب در زمان نیاز شدید، سالی دو بار، یکبار در زمستان و یکبار در تابستان فرزندان خود را با سرمایه بسیار کمی به مصر می فرستادند تا گندم بیاورند. (بحرانی، ۲/۲۵۷)

۷-۲-در مورد آیه: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ»^(۲۲) امام (ع) به طور مفصل داستان سفر ابراهیم (ع)، و هاجر و اسماعیل را به سرزمین خشک و بی آب و علف حجاز بیان می کند و وقایع و جریاناتی را که برای هاجر و اسماعیل اتفاق افتاده را یادآور می شود. (همان، ۲۱۹/۲)

در بیانات و روایاتی از این قبیل می بینیم که امام (ع) با توضیح اتفاقاتی که در آن برهه از زمان پیش آمده است، به شرح و تفسیر موضوع آیه پرداخته است و با زبانی ساده با بیان سرگذشت پیشینیان به آیندگان درس می دهد، تا آن نکات را در نظر بگیرند و عبرت بیاموزند.

۷-۳-از آبان بن تغلب نقل شده که در مورد آیه «وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ» از امام صادق (ع) سؤال می کند که چرا فرعون را «ذی الاوتاد» گفته اند؟ امام (ع) می فرماید: «آنها بدن های بردگان یا مخالفان خود را بر چوبی می خواباندند و دو دست و دو پای آنها را چهار میخ کرده و به همان حال رها می نمودند تا بمیرد و بدین خاطر خداوند او را «ذی الاوتاد» نامید.» (همان، ۴۵۷/۴)

۸-تفسیر آیات با توجه به اسباب نزول

از ویژگی های روش عقلا این است که معنا و مقصود سخن را با توجه به شرایطی که کلام در آن صادر شده بدست می آورند. یعنی علت و سبب آن گفتار، زمان و مکانی که کلام گفته شده است و فرهنگ و ذهنیت مردم آن زمان، همه اینها را در مشخص شدن معنای کلام تأثیر گذار می بینند. امام صادق (ع) نیز این روش در کلام خود به کار گرفته که به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم.

۸-۱- عبدالله بن میمون روایتی از امام صادق (ع) در ذیل آیه: «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^(۲۴) نقل می کند که حضرت فرمود: «این آیه تا آیه ۲۲ این سوره یعنی تا «و كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا» در مورد حضرت علی (ع) نازل شده، آنجا که حضرت علی (ع) طعام خود و خانواده اش را به مسکین و یتیم و اسیر داد، پس از آن نازل شده است.» (قمی، ۱۴۱۱، ۲/۴۲۳-۴۲۲)

امام در اینجا سبب نزول آیه را ذکر نموده تا معنای آیه برای ما آشکارتر شود و نتیجه گرفته می شود که اگرچه آیه در شأن امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده است و او از مصادیق خاص آیه است و خداوند خواسته تا از عمل خالصانه او و خانواده اش تشکر نماید؛ اما می تواند شامل هر مؤمن دیگری که چنین کاری را انجام دهد، نیز بشود و از این حیث آیه مصداق عام هم می تواند داشته باشد.

۸-۲- در تفسیر آیه: «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ...»^(۲۵) از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: وقتی که فاطمه علیها السلام به حسین حامله گردید، جبرئیل نزد رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله فاطمه پسری به دنیا می آورد که بعدها به دست امت تو کشته خواهد شد و به همین دلیل فاطمه هنگام تولد امام حسین در یک ناراحتی روحی به سر می برد. سپس امام صادق (ع) فرمود: در دنیا مادری یافت نشده است که هنگام زاییدن فرزند خود نگران باشد؛ ولی فاطمه در حین زاییدن حسین چنین حالتی داشت؛ زیرا متوجه گردیده بود که فرزند دلبندهی او به دست این امت کشته خواهد شد و برای همین منظور این آیه نازل گردید». (محقق، ۱۳۸۴، ۷۱۲)

امام (ع) در این روایت نیز با بیان سبب نزول آیه به شرح و توضیح آیه پرداخته و فهم آن را برای ما آسان کرده است و مسلماً اگر سبب نزول ها از اسناد قطعی و معتبری برخوردار باشند، تأثیر شایانی در تفسیر آیه گذاشته و در فهم پیام و هدف آیه به ما کمک می کند.

۸-۳- همچنین منصور بن حازم از امام صادق (ع) در مورد آیه: «وَجَعَلْنَا عَلِي قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوْنَ»^(۲۶) سؤال کرد، حضرت (ع) در پاسخ فرمود: «پیامبر (ص) هنگامی که به نماز می ایستاد، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند اداء می نمود. منافقین که پشت سر او به نماز می ایستادند؛ وقتی که صدای بلند پیامبر (ص) را به «بسم الله» می شنیدند، از صفوف جماعت خارج می شدند تا پیامبر (ص) سوره را به پایان برساند، سپس به صف جماعت برمی گشتند و به یکدیگر می گفتند: «چون محمد (ص) خدای خود را دوست می دارد نام او را به صدای بلند می خواند، سپس آیه فوق نازل گردید». (محقق، همان، ص ۵۰۰)

۹- استفاده از روش فهم معنا با توجه به ویژگی های گوینده کلام

در برخی موارد مفسر در فهم معنای کلام به صفات گوینده آن نیز توجه کرده و معنایی را که مناسب با صفات گوینده کلام باشد، در حد فهم او بیان می کند. به عنوان مثال روایتی نقل شده که در ضمن آن امام صادق (ع) در احتجاج با ابوحنیفه معنایی را که وی برای برخی از آیات ذکر می کند، به استناد اینکه «خدا جز به حق سخن نمی گوید» رد کرده است. در قسمتی از این روایت آمده: امام (ع) فرمود: از (معنای) قول خدای عزوجل «وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرًا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَامًا آمَنِينَ»^(۲۷) به من خبر بده که آن (محل سیر) چه موضعی است؟ گفت: «بین مکه و مدینه است».

ابو عبدالله (ع) به اهل مجلس رو کرد و فرمود: «شما را به خدا آیا (جز این است که بین مکه و مدینه سیر می کنید؛ در حالی که بر خون هایتان از قتل و بر مال هایتان از دزدی ایمن نمی باشید؟» گفتند: «آری به خدا (چنین است)». امام (ع) فرمود: «وای بر تو ای ابوحنیفه، قطعاً خداوند جز حق سخن نمی گوید». (بار دیگر امام (ع) فرمود: «از قول خدای عزوجل «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانِ آمِنًا»^(۲۸) خبر بده که آن (محل امن) چه مکانی است؟» ابوحنیفه گفت: «بیت الله الحرام است». (باز) حضرت به اهل مجلس رو کرد و فرمود: «شما را به خدا آیا می دانید که عبدالله بن زبیر و سعید بن جبیر به آن خانه وارد شدند و از کشته شدن ایمن نماندند؟» گفتند: «آری به خدا (چنین بود)».

امام صادق (ع) فرمود: «وای بر تو ای ابوحنیفه، قطعاً خداوند جز حق سخن نمی گوید...» (طبرسی، الاحتجاج، ۳۶۱/۲ - ۳۶۰)

در این روایت امام (ع) برای توجه دادن ابوحنیفه به سخن خود تأمل در آیات قرآن با یادآوری این صفت خداوند که خدا جز حق سخن نمی گوید، باطل بودن تفسیری که ابوحنیفه از آیات الهی داشته را به اثبات می رساند.

۱۰- استفاده از جری و تطبیق و بیان مصداق در تفسیر آیات

«جری» در لغت به معنای روان شدن و جریان داشتن می باشد. (قرشی، ۱۳۷۵،

۳۰/۲) جری به معنای جریان داشتن، تعبیری است که خود ائمه برای بیان استمرار پیام قرآن در همه زمان ها به کار برده اند و مراد از آن انطباق الفاظ و آیات قرآنی بر مصادیقی غیر از آنچه درباره آنها نازل شده است که از مخاطبان اولیه خود تجاوز کرده و بر افرادی که در قرن های بعد می آیند، منطبق می شوند. (میرباقری، ۱۳۸۰: ۲۳۶)

در روایات، بسیاری الفاظ و آیات قرآن کریم بر پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام و مخالفان آنها انطباق یافته است. ادله ای که می تواند امر جری و تطبیق در روایات تفسیری را تأیید کند، متعدّدند. پاره ای از آنها خود اخبار جری می باشند که در آنها بر دائمی بودن احکام و معارف قرآن و استمرار خطاب قرآن به مصادیق جدید تأکید شده است. (شاکر، ۱۳۷۶: ۱۴۹)

۱۰-۱- به عنوان مثال روایتی از ابو بصیر نقل شده که درباره آیه: «أَمَّا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^(۲۹) از امام جعفر صادق (ع) سؤال می کند؟ امام در پاسخ می فرماید: «پیامبر اکرم (ص) منذر و علی (ع) هادی است». آنگاه حضرت خطاب به ابو بصیر می گوید: «آیا این زمان هادیی وجود دارد؟»

ابو بصیر در پاسخ می گوید: «بلی! امروز شما هادی هستید». امام (ع) فرمود: «درود خدا بر تو باد ای ابا محمد، هرگز چنین نیست که آیه ای در باره فردی نازل شود و بعد با مردن او حکمش از بین برود؛ بلکه احکام قرآن درباره آیندگان همچون گذشتگان ساری و جاری است». (کلینی، ۱۴۰۱، ۱۹۲/۱)

در روایت دیگری از امام ذیل آیه نقل شده که ایشان فرمود: «هر امامی از امامان اهل بیت برای گروهی که در میان آنها زندگی می کند، هادی و رهبر است (بحرانی، ۱۴۲۸، ۲۴۹/۴)؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۶۰۵/۲، قندوزی حنفی: ۱۰۰)

۱۰-۲- در آیه: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ بِصِيرِهِ أَنَا وَمَنْ أَتَّبَعَنِي»^(۳۰) امام (ع) مراد از «من اتبعنی» را علی (ع) معرفی می کند. که قطعاً در اینجا امام (ع) در صدد بیان مصداق می باشد. (بحرانی، ۲۷۵/۲)

۱۰-۳- همچنین در آیه ۲۴ سوره ابراهیم، امام صادق (ع) در بیان مصادیق «شجره طیبه» می گوید: «اصل آن درخت رسول خدا و ساقه آن امیر المؤمنین و شاخسار آن ائمه و حضرت فاطمه، و شیعیان اهل بیت برگ های آن می باشند که هر گاه فردی از شیعیان از دنیا برود برگی از آن درخت سقوط می کند و چون فرزندی از آنان متولد شود، برگی می روید.» (همان، ۳۱۰/۲)

آری! با دقت و تأمل در روایاتی از این قبیل می توان نتیجه گرفت که آنچه در قرآن در مورد یک شخص و یا یک قوم و گروهی آمده است، فقط به آنان اختصاص ندارد؛ بلکه همانطور که امام (ع) نیز در روایت فوق اشاره کرده اند، هر کسی که آن ویژگی را داشته باشد، حکم آیه نیز شامل او خواهد شد؛ حال در هر زمان و مکانی که باشد، چرا که ما معتقدیم قرآن کتابی جهانی، همگانی، همیشگی و برای همه اقوام و ملیت ها است.

نتیجه:

با تتبع در بیانات گوهر بار ششمین اختر تابناک آسمان ولایت، صادق آل محمد (ص) می توان روش ها و گونه های مختلفی از تفسیر قرآن را مشاهده کرد که امام بسته به شرایط موجود و سطح درک سئوال کننده را تفسیر می کردند که موارد ذیل از آن قسم است:

- ۱- تفسیر واژه ای: در این روش امام فقط به توضیح واژه می پردازد؛ اما گاهی با بیان مصادیق واژه معنای آن را روشن می سازد. می توان این گونه تفسیر را اولین قسم تفسیر دانست.
- ۲- استفاده از تفسیر ادبی: در این روش امام برداشت خود از آیه را با کمک قواعد عربی توضیح می دهد.

- ۳- استفاده از روش قرآن به قرآن: از آنجا که قرآن مبین خود می باشد، امام گاه برای تفسیر آیه ای از آیه ی دیگری کمک می گیرد. این قسم را می توان متقن ترین نوع تفسیر دانست.
- ۴- استفاده از روایت: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه از روایت های پدران خود و رسول خدا (ص) استفاده می کند. این روش به شرط صحیح بودن حدیث، اصیل ترین نوع تفسیر است.
- ۵- استفاده از تشبیه و تمثیل: امام در این روش مشکل ترین مطالب را با تمثیل های بسیار ساده بیان می کنند.
- ۶- استفاده از عقل: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات مربوط به عقاید، اثبات توحید و ... از این قسم استفاه کرده اند.
- ۷- تفسیر آیه از طریق شرح جریان تاریخی: یکی از راههای هدایت مردم استفاده از جریان های تاریخی است، امام نیز برای تفسیر برخی از آیات این روش را به کار گرفته اند.
- ۸- تفسیر آیه از راه بیان مصداق: تطبیق آیه بر وجودهای عینی و خارجی از دیگر روش هایی است که امام از آن در تفسیر آیات استفاده کرده اند.
- ۹- تفسیر آیه با توجه به اسباب نزول: امام صادق علیه السلام در این روش با کمک اسباب نزول آیه به تبیین مراد خداوند پرداخته اند.
- ۱۰- روش فهم معنا با توجه به ویژگی های گوینده: در این روش امام با استفاده از صفات گوینده و کلام خداوند، به توضیح آیه می پردازند.
- ۱۱- استفاده از جری و تطبیق: انطباق آیات بر مصادیقی غیر از آنچه درباره آنها نازل شده اند، یکی دیگر از روش های امام در تفسیر آیه است.

یادداشت ها :

ترجمه آیات

- ۱- کهف/ ۱۷. (هر که را خدا هدایت کند، او هدایت یافته است و هر که را گمراه کند هرگز برای او سرپرست و راهنمایی نخواهی یافت).

- ۲- ابراهیم / ۲۷. (و ستمگران را گمراه می کند و خدا هر چه بخواهد انجام می دهد).
- ۳- یوسف / ۷۰. (ای کاروانیان بی گمان شما دزد هستید).
- ۴- انبیاء / ۶۳. (بلکه آن را همین بزرگشان کرده است).
- ۵- بقره، ۱۰۲ (در حالیکه فرشتگان به احدی [ابطال سحر] نمی آموختند؛ مگر اینکه به او می گفتند، ما وسیله امتحانیم زنهار که کافر شوی).
- ۶- نحل، ۵۲. (و آنچه در آسمان ها و زمین است، از آن اوست و دین و بندگی نیز همیشه برای اوست؛ پس آیا از غیر خدا می ترسید؟)
- ۷- حج، ۳۶ (پس نام خدا را بر [ذبح] آنها در حالی که ایستاده اند، بپسند و چون به پهلو افتادند [جان دادند]).
- ۸- آل عمران / ۱۰۴ (و باید در میان شما گروهی باشند که به خیر بخوانند و به نیکی فرمان دهند و از کار ناشایسته باز دارند)
- ۹- اعراف / ۱۵۹. (و از قوم موسی گروهی هستند که به حق هدایت می کند و بدان داوری می کنند).
- ۱۰- یونس / ۵۷. (و شفایی برای آنچه در دلهاست).
- ۱۱- مجادله / ۲۲. (ایشان را به روحی از ناحیه خود تأیید می کند)
- ۱۲- لقمان / ۱۴. (که شکرگزار من و پدر و مادرت باش)
- ۱۳- فرقان / ۶۷. (و کسانی اند که چون انفاق و هزینه کنند، نه زیاده روی می کنند و نه خسّت می ورزند و میان این دو راه به اعتدال هستند).
- ۱۴- نساء / ۵۶. (هر بار پوستشان بریان شود، پوستی دیگر بر جایش نهیم تا عذاب را [به طور کامل] بچشند).
- ۱۵- ابراهیم / ۴۸. (روزی که زمین به زمین دیگر و آسمان ها [به آسمان های دیگر] مبدل شود).

- ۱۶- زخرف / ۸۴. (او کسی است که در آسمان معبود و در زمین معبود است).
- ۱۷- مؤمنون / ۱۰۲. (پس هر که میزان اعمالش سنگین باشد).
- ۱۸- انعام / ۱۶۴. (کسی بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد).
- ۱۹- انبیاء / ۲۲. (اگر خدایانی در زمین و آسمان بودند، آسمان و زمین به فساد کشیده می شد).
- ۲۰- یوسف / ۷. (به راستی در ماجرای یوسف و برادرانش برای سئوال کنندگان عبرت هاست).
- ۲۱- یوسف / ۶۵. (گفتند: «ای پدر، ما دیگر چه می خواهیم، این سرمایه ماست که به ما پس داده اند، برای کسان خود آذوقه بیاوریم.»)
- ۲۲- ابراهیم / ۳۷. (پروردگارا من برخی فرزندانم را در سرزمینی بی آب و علف اسکان دادم).
- ۲۳- فجر / ۱۰. (و فرعون صاحب میخ ها)
- ۲۴- انسان / ۸. (و طعام را با آنکه دوستش دارند، به مستمند و یتیم و اسیر می دهند).
- ۲۵- احقاف / ۱۵. (و ما ایشان را در حق پدر و مادر سفارش کردیم که مادر (چگونه) با رنج و زحمت بار حمل کشید ...)
- ۲۶- اسراء / ۴۶. (و ما بر دلهای آن کافران پرده ای افکنندیم که قرآن را نمی فهمند...)
- ۲۷- نساء / ۱۸. (و در آنها سیر و سفر را به اندازه کردیم شب و روزها به ایمنی در آنها سفر کنید).
- ۲۸- آل عمران / ۹۷. (و هر که وارد آن شود، ایمن است).
- ۲۹- رعد / ۷. (ای پیامبر تو فقط هشدار دهنده ای و هر قومی را راهنمایی است).

۳۰- یوسف / ۱۰۸. (بگو این راه من است. من و پیروانم از روی بصیرت [مردم را] به سوی خدا دعوت می کنم).

منابع

- ۱- قرآن مجید، ترجمه ابوالفضل بهرامپور، بی تا، سازمان دارالقرآن الکریم.
- ۲- ابن نایا، عبدالله بن محمد، (۱۳۷۴ش). **الجمان فی تشبیحات القرآن**، مشهد، آستان قدس رضوی، پژوهشهای اسلامی.
- ۳- ابن عطیه، **تفسیر المحرر الوجیز**، ۱۹۹۲م، بیروت دارالکتب العلمیه.
- ۴- اسفراینی، (۱۳۷۵)، **تفسیر تاج التراجم**، تهران، انتشارات علمی- فرهنگی، چاپ اول.
- ۵- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، بی تا، **البرهان فی تفسیر القرآن**، دارالکتب العلمیه، قم الطبعة الثالثة.
- ۶- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان ۱۴۲۸، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تحقیق لجنه من العلماء والمحققین، قم، مؤسسه دارالمجتبی.
- ۷- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، بی تا، **تفسیر نورالثقلین**، تحقیق سید هاشم رسول محلاتی، المطبعة العلمیه قم، الطبعة الثانية.
- ۸- رجبی، محمود، (۱۳۸۳) **روش تفسیر قرآن**، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول.
- ۹- رستمی، علی اکبر، (۱۳۸۰) **آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام**، چاپ حیدری، چاپ اول.
- ۱۰- سبحانی، جعفر، **المناهج التفسیریة فی علوم القرآن**، نشر مؤسسه الامام الصادق، الطبعة الثانية.

- ۱۱- سیفی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، **دروس التمهیدیه فی القواعد التفسیریة**، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۱۲- شاکر، محمد کاظم، (۱۳۷۶) **روش های تأویل قرآن**، انتشارات قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، چاپ اول، زمستان.
- ۱۳- شهرستانی، عبدالکریم (۱۳۷۶ش) **مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار**، تحقیق آذرشب، شرکه النشر و احیاء الكتاب الطبعه الاولى.
- ۱۴- صدوق، محمد بن بابویه، **التوحید**، مؤسسه النشر الاسلامی، منشورات جماعه المدرسین.
- ۱۵- صدوق، محمد بن بابویه، **کمال الدین و تمام النعمه**، بیروت، طبعه الاعلمی.
- ۱۶- الصنعانی، عبدالرزاق بن همام، **تفسیر**، تحقیق محمود محمد عبده، الطبعه الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۷- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، **الاحتجاج**، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، مؤسسه اهل بیت، بیروت، الطبعه الثانيه.
- ۱۸- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸۴) **تذکره الاولیاء** (نسخه نیکلسن) تهران، نشر علم.
- ۱۹- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، **امام صادق (ع) پیشوا و رئیس مذهب**، تهران، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ آرمان.
- ۲۰- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۸۲) **طبقات مفسران شیعه**، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ سوم.
- ۲۱- علوی مهر، حسین، (۱۳۸۱) **روش ها و گرایش های تفسیری**، قم، انتشارات اسوه.
- ۲۲- علیدوست خراسانی، نورالله، **پرتوی از زندگانی امام صادق (ع)**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی - چاپ دوم.

- ۲۳- عمادزاده، زندگی معلم کبیر حضرت امام صادق (ع)، تهران، انتشارات گنجینه.
- ۲۴- عیاشی، سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسول محلاتی تهران، المكتبه العلمیه الاسلامیه.
- ۲۵- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۵) قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم.
- ۲۶- قرطبی، ابو عبدالله بن احمد (۱۴۰۵) الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۲۷- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۱۱) تفسیر القمی، دارالسرور، بیروت، الطبعة الاولى.
- ۲۸- القندوزی الحنفی، ینایع الموده، بیروت، طبعه مؤسسه الاعلمی.
- ۲۹- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸) الکافی (الاصول و الفروع و الروضه)، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
- ۳۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق) الکافی، بیروت، دار صعب و دار التعارف، چاپ چهارم.
- ۳۱- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- ۳۲- محقق، محمد باقر (۱۳۸۴) نمونه بینات در شأن نزول آیات، انتشارات الاسلامی، چاپ ششم.
- ۳۳- مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۷۷) علم الحدیث و درایه الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سیزدهم.
- ۳۴- مقدمتان فی علوم القرآن (۱۳۷۲) (مقدمه کتابهای المبانی و ابن عطیه)، تحقیق آرتور جفری، طبع الخانجی.
- ۳۵- مؤدب، سید رضا (۱۳۸۰) روش های تفسیر قرآن، دانشگاه قم، انتشارات اشراق، چاپ سپهر.

- ۳۶- _____ (۱۳۸۶) مبانی تفسیر قرآن، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.
- ۳۷- _____ (۱۳۸۸) مبانی تفسیر قرآن (ویرایش جدید)، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.
- ۳۸- میرباقری، سید محسن (۱۳۸۰) ظاهر قرآن و باطن قرآن، تهران، انتشارات رایزن.